



A Pathology of the First Volume of the Book “The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”] and Its Comparison with other Tafasir *

Mohammad Javad Eskandarloo^۱

Abstract

“The Contemporary Interpretation of the Holy Quran” [= “The Study Quran”] is the work of a group of Western scholars, edited by Seyyed Hossein Nasr, which has been translated into Persian by Insha Allah Rahmati under the supervision of Mustafa Malakian. The first volume consists of three Surahs of Fatih al-Ketab, Baqarah and Ale Imran:

In addition to mentioning the most important strengths of this book, the author of the present article has reviewed the formal-structural problems and especially the content disorder of this book in a descriptive-analytical method.

The most important drawbacks of the book can be introduced as following:

- Incorrect naming of the book (by the translator)
- Selecting of non-specialist colleagues for the interpretation of the Quran
- Lack of a clear definition of “traditionalist school” [= “perennial philosophy”] and “contemporary”
- Mentioning some very unlikely possibilities without documentation
- Citing and testifying to some weak and fabricated narrations
- Defending religious pluralism.
- Lack of explanation of the important miracle dimensions and aspects of the Holy Quran, including literary miracles.
- Refusing to accurately interpret the political and social verses of the Holy Quran.
- Failure to answer the doubts related to the miracles of the prophets and the issue of predestination.
- Marginalizing the views of Shia School of thought.

As a result, such an interpretation, first published in the United States by some Westerners under the supervision of a Shiite scholar in English around the world, needs to be seriously edited methodically as well as content if it is to reflect the true and accurate meaning of the Quranic verses in various dimensions.

Keywords: Contemporary Interpretation, Holy Quran, Pathology of Interpretation, Seyyed Hossein Nasr, Great Commentators.

*. **Date of receiving:** ۱۷, May, ۲۰۲۱, **Date of approval:** ۲۵, June, ۲۰۲۱.

^۱: Associate professor of Al-Mustafa University, Mj_eskandarloo@miu.ac.ir



آسیب‌شناسی کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن کریم»

و مقایسه آن با سایر تفاسیر *

محمد جواد اسکندارلو^۱

چکیده

تفسیر معاصرانه قرآن کریم، اثر گروهی از پژوهشگران غربی است که با سرویراستاری سید حسین نصر توسط انشاءالله رحمتی، تحت نظارت مصطفی ملکیان به فارسی ترجمه شده است. جلد اول این کتاب مشتمل بر سه سوره فاتحه‌الکتاب، بقره و آل عمران چاپ و منتشر گردیده است. نویسنده مقاله حاضر علاوه بر ذکر مهم‌ترین محسنات این کتاب، اشکالات صوری - ساختاری و به‌ویژه آسیب‌های محتوایی این کتاب را با روشی توصیفی - تحلیلی موردنقد و بررسی قرار داده است. مهم‌ترین اشکالات کتاب یادشده را می‌توان به‌قرار ذیل معرفی کرد: نام‌گذاری نادرست کتاب (از سوی مترجم)، گزینش همکارانی غیرمتخصص در تفسیر قرآن، عدم ارائه تعریفی روشن از «سنت‌گرایی» و «معاصرانه»، ذکر برخی از احتمالات بسیار بعید بدون مستندسازی، استناد و استشهاد به برخی از روایات ضعیف و جعلی، دفاع از پلورالیزم دینی، عدم تبیین ابعاد و وجوه مهم اعجاز قرآن کریم از جمله اعجاز ادبی، خودداری از تفسیر دقیق آیات سیاسی و اجتماعی قرآن کریم، عدم پاسخ‌دهی به شبهات مربوط به معجزات انبیاء و مسئله جبر و در حاشیه قرار دادن نظرات شیعیان. در نتیجه، چنین تفسیری که نخستین بار در آمریکا از سوی برخی از غربیان تحت نظارت یک دانشمند شیعی به زبان انگلیسی در سراسر جهان منتشر گردیده است، اگر بخواهد نشانگر مفاد حقیقی و دقیق آیات قرآن در ابعاد مختلف باشد، نیاز به ویرایش جدی به لحاظ روشی و نیز محتوایی دارد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تفسیر معاصرانه، آسیب‌شناسی تفسیر، سید حسین نصر، مفسران

بزرگ.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۷ و تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۴.

^۱ - دانشیار جامعه المصطفی العالمية - mj_eskandarlo@miu.ac.ir



مقدمه

تفسیر معاصران قرآن کریم را گروهی از پژوهشگران و اندیشمندان مسلمان غربی و متخصص در مطالعات اسلامی با نظارت آقای دکتر سید حسین نصر به رشته تحریر درآورده‌اند و آقای دکتر ان‌شاءالله رحمتی - که متخصص فلسفه و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران است - آن را تحت نظارت و اشراف آقای مصطفی ملکیان به فارسی ترجمه کرده است. تمامی مجلدات آن در قالب هشت جلد پیش‌بینی شده است که البته در حال حاضر فقط جلد اول آن مشتمل بر تفسیر فاتحه‌الکتاب، بقره و آل عمران (حدود ۷۰۰ صفحه) چاپ و منتشر شده است.

شایان ذکر است که هر اثر نوین و کاری جدید که به صورت گروهی و جمعی ارائه شده باشد، به طور قطع برخوردار از یک سری محسنات و مزایای خوبی است. برخی از امتیازات این کتاب در ذیل گزارش می‌گردد.

یک. در مقدمه این کتاب از حیانی بودن الفاظ و معانی قرآن کریم کاملاً دفاع شده است: «قرآن پیش از وحی یا نازل شدنش بر رسول خدا ﷺ واقعیت داشته و موجود است؛ بنابراین برخلاف منکران ماهیت و حیانی بودن قرآن کریم کلام پیامبر نیست.» در واقع در اینجا تعریض علمی مناسبی به دیدگاه آقای دکتر سروش - در زمینه انتساب الفاظ و عبارات قرآن کریم به شخص پیامبر ﷺ - زده و به طور شفاف اظهار می‌دارد که ما چنین دیدگاهی را نپذیرفته، بلکه کامل قرآن را وحیانی می‌دانیم (نصر، تفسیر معاصران قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۳۷/۱).

دو. از جامعیت قرآن نیز به خوبی دفاع کرده است. به ویژه قرآن را کتابی کلامی، اعتقادی، فطری، اخلاقی، اجتماعی، نجومی دارای خلاقیت هنری، جهان‌شمولی و حکمی و فقهی معرفی کرده است (همان: ۳۸/۱-۴۸).

سه. آقای دکتر رحمتی تحت اشراف و رهنمودهای ادیبانه جناب استاد مصطفی ملکیان، موفق گردیده که ترجمه روان و کاملاً قابل فهم را به زبان فارسی ارائه می‌دهد.

چهار. برخوردار از پیوستی سودمند و شایسته: که مشتمل بر منابع احادیث است (همان: ۶۸۹/۱ - ۷۲۰)؛ برخوردار از واژه‌نامه انگلیسی - فارسی (همان: ۱/ ۷۲۱ - ۷۲۶). نمایه انتهایی کتاب که نشانگر جایگاه اسامی خاص است که در متن کتاب از آن‌ها یاد شده است (همان: ۱/ ۷۲۷ - ۷۵۰). در مجموع به لحاظ ساختاری و شکلی از شیوه‌ای نسبتاً جامع و زیبا استفاده کرده است.

درعین حال، این کتاب ارزشمند واجد اشکالات و کاستی‌ها و آسیب‌های متعددی است که در قالب سه بخش مورد گزارش، تبیین و نقد و تحلیل قرار می‌گیرند: اشکالات صوری - ساختاری، ملاحظات محتوایی جزئی و اجمالی؛ و آسیب‌ها تفصیلی - تفسیری.

الف. اشکالات صوری - ساختاری

۱. نام‌گذاری نادرست کتاب: در بخشی از کتاب می‌نویسد: «به نظرم یکی از وجوه اصلی اثر حاضر یعنی «the study Quran» (که البته در ترجمه فارسی به همین اعتبار تفسیر معاصرانه قرآن کریم برای آن برگزیده شده است) همین است.» (همان: ۱۷/۱). همان‌گونه در پاورقی همان صفحه آمده است: معادل فارسی آن می‌تواند چیزی چون «قرآن‌شناخت» یا «قرآن محقق» باشد. در هر صورت تبدیل «قرآن‌شناخت» به «تفسیر معاصرانه قرآن» وجه روشن و موجهی ندارد و وجه تسمیه آن به «معاصرانه» را هم هیچ توضیحی نداده است.
۲. روش‌شناسی بحث: مبانی و قواعد آن مبهم بوده و روش‌های تفسیری آن ناقص است. به‌عنوان نمونه، تفسیر قرآن به قرآن به صورت بسیار سطحی ذکر شده و به تفسیر روایی نیز به صورت ناقص پرداخته شده است.
۳. استفاده گسترده از گرایش عرفانی و عدم توجه به گرایش‌های دیگر: در این کتاب به‌طور مکرر از یک مفسر غیر معروف به نام «ابن عجبیه» استفاده و نقل قول شده است. زرکلی ابن عجبیه را این‌گونه معرفی می‌کند: «أحد علماء أهل السنة والجماعة و من أعلام التصوف السني في القرن الثاني عشر الهجري في المغرب» (زرکلی، الاعلام: ۱۹۸۰ م؛ ۱۴۵/۱). اکثر مطالب تفسیری از وی نقل شده، خلاف ظاهر آیات بوده و هیچ مؤیدی در متن آیات مربوط به مدعیات او وجود ندارد (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۲۰۰/۱).
۴. «سنت‌گرایی»، واژه پرکاربردی در این کتاب است که در هیچ قسمتی، تعریف روشن و دقیقی از آن ارائه نشده است (همان: ۱۸/۱).
۵. مفهوم‌شناسی واژگان ذیل آیات به‌هیچ‌وجه مستندسازی نشده است. مانند تعریف «تقوا» (از ریشه وقی) است و ... (همان: ۱/۱۲۹)؛ تعریف «صاعقه» (همان: ۱/۱۸۲)؛ و تعریف «سجده کنان» (همان: ۱/۱۸۵).



۶. در موارد مهمی که مشخص شدن مفاد آیه مبتنی بر رجوع به روایات اسباب نزول و شأن نزول است، شأن نزول آیه را مطلقاً ذکر نکرده است. (همان: ۳۰۳/۱).
۷. گزینش همکارانی که تخصص در تفسیر قرآن ندارند: همان گونه که آقای نصر آن‌ها را معرفی کرده است، رشته دانشگاهی همکاران ایشان مطالعات اسلامی است. بدیهی است، این رشته مشتمل بر دروس و مباحثی از قبیل فلسفه، کلام، حدیث، تاریخ، اخلاق و ادبیات عرب است که البته چند واحدی نیز تفسیر قرآن خوانده‌اند. حال آنکه مفسر واقعی قرآن باید ده شرط را دارا باشد تا به خود جرئت تفسیر نگاری دهد. شرایط ده گانه مزبور به اجمال در ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد:
- آشنایی با زبان و ادبیات عرب؛ شناخت اسباب نزول؛ آگاهی از روایات، سنت و سیره پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)؛ شناخت علوم قرآن (مقاصد وحی، آیات و سوره‌های مکی و مدنی، تاریخ قرآن، کیفیت نزول وحی، محکم و مشابه، به تفسیر و تأویل، ناسخ و منسوخ، وجوه و نظایر و...)؛ پرهیز از پیش داوری تا آن که دچار تفسیر به رأی نگردد؛ جامع‌نگری و نگرشی جامع به کل آیات قرآن و تحقیق همه جانبه در آن‌ها؛ اطلاع و آگاهی از آثار پیشینیان؛ آگاهی از علم منطق؛ آگاهی از سایر علوم، در حوزه‌های علوم انسانی و تجربی؛ و شرط آخر رعایت دوران‌دیشی و احتیاط معقول (ر.ک: زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی تا: ۴۲۰/۱؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۳۶۳: ۲۳۲/۳-۲۳۱؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۲۰۰۱ م: ۴۶/۱-۴۵؛ ذهبی، التفسیر والمفسرون، ۱۳۸۱: ۱۷۲/۱ و...)
۸. در بخشی از کتاب تحت عنوان سهم ویراستاری، از افرادی همچون «کانه کی، دگلی» و «ماریا مسی دکاکه» و «جوزف ئی. بی. لومبارد» و... نام می‌برد، ولی جای بسی شگفتی و تعجب است که زندگی‌نامه علمی هیچ‌یک از آنان را ذکر نمی‌کند (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۳۴/۱).
۹. در ذیل عنوان «زبان قرآن» آمده است: «وحی قرآنی به یک معنا زبان عربی را «متلاشی» ساخته و آن را به همان زبان قدسی که برای مسلمانان است، تبدیل کرده است.» در عبارت یاد شده لازم است به جای تعبیر «متلاشی» از واژه «متکامل» ساخته استفاده شود (همان: ۴۸/۱).
۱۰. در پاراگرافی می‌نویسد: «بر طبق یکی از احادیث، کسی می‌خواست بزرگ‌ترین سوره قرآن را بشناسد... از پیامبر ﷺ سؤال نمود، آن حضرت فرمود که «الحمد لله رب العالمین...» بدیهی است که واژه بزرگ‌ترین در اینجا ترجمه درستی از متن روایت مزبور نیست و صحیح آن «مهم‌ترین» است، چون بزرگ‌ترین سوره قرآن، بقره است (همان: ۹۸/۱).

۱۱. در بخشی از کتاب آمده است: «قرآن بسان دریای پهناوری است که مسلمانان در آن فرو می‌روند، ولی هرگز به همه ژرفای آن نمی‌رسند» با توجه به این‌که این عبارات اقتباس یافته از کلام علی علیه السلام است، شایسته است آن را مستندسازی کند (همان: ۵۲/۱)؛ برخی از مطالب مهم در صفحات مختلف نیز مستندسازی نشده است (ر.ک: همان: ۵۳/۱، درباره علم جفر؛ ۵۴/۱ درباره «ذو وجوه بودن متن قرآن»...) و حال آنکه آدرس دهی همه مطالب و مدعیات کتاب از مهمترین اصول روش تحقیق است.

۱۳. در بخش دیگری از کتاب آمده است: «باید توجه داشت که وقتی در یک متن تفسیری سنتی، تفسیری از یک آیه ارائه می‌شود، این بدان معنا نیست که مفسر با آن تفسیر خاص موافق است، بلکه فقط بدین معناست که این تفسیر، در مقام تبیین آن آیه ذکر شده است.» (همان: ۷۳/۱)؛ نقدی که بر این روش استناد وارد می‌باشد، این است که: اگر ذیل هر آیه‌ای همواره فقط یک قول را نقل کنید، دیگر چنین توجیهی قابل قبول نیست؛ چون در ذهن همه مخاطبان و خوانندگان تبادل می‌شود که قول و رأی مختار نویسنده همین تفسیری است که نقل کرده است.

۱۴. در ذیل عنوان مفسران بزرگ (که از نظرات تفسیری آنان در این کتاب استفاده شده) تعداد مفسران شیعه، اندک است (همان: ۹۴/۱-۹۱)؛ و از آثار مفسران بزرگ معاصر همچون تفسیر تسنیم، آیت‌الله جوادی آملی، تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی هرگز یاد نکرده و از نظرات تفسیری و رهگشای آنان استفاده نکرده است.

ب- ملاحظات محتوایی اجمالی

یک. در مقدمه کتاب می‌خوانیم: «به لحاظ بعد الطبیعی/ حکمی، این بدان معناست که در نهایت هیچ واقعیتی جز حضرت حق، موجود نیست.» (همان: ۳۹/۱)؛ این عبارت بیانگر نظریه «وحدت وجود» است که می‌تواند تقریر صحیح و نیز تقریر نادرست داشته باشد. در هر صورت لازم است، در اینجا در متن یا پاورقی، دیدگاه خود را درباره نظریه وحدت وجود به گونه شفاف و به اختصار ارائه دهد. دو. در آیه: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ (حجر/۸۷)؛ عبارت «سبعاً من المثنائی»، به صورت «تکرار شده‌های هفتگانه» ترجمه شده است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۹۸). پیداست که چنین ترجمه‌ای مبهم است و ترجمه سلیس و درست آن عبارت است از: «و ما به تو سوره حمد که از دو بخش تشکیل شده و قرآن عظیم دادیم.» در تفسیر آمده است: «سبع» در لغت به



معنی «هفت» و «مثنائی» به معنی «دوتاها» ست و بیشتر مفسران و روایت، «سبعاً من المثنائی» را کنایه از سوره «حمد» گرفته اند؛ زیرا سوره حمد بنا بر معروف، هفت آیه است و از این نظر که به خاطر اهمیت این سوره و عظمت محتوایش دو بار بر پیامبر ﷺ نازل گردیده و یا این که از دو بخش تشکیل شده (نیمی از آن حمد و ثنای خداست و نیم دیگر آن تقاضاهای بندگان است) و یا این که دو بار در هر نماز خوانده می شود، به این جهات، کلمه «مثنائی» یعنی دوتاها بر آن اطلاق شده است (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۶۰: ۱۱/۱۲۹).

سه. ذیل آیه: ﴿وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزْحَجِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ﴾ (بقره/۹۶)؛ «هر یک از آنان آرزو دارد که هزار سال عمر کند» می نویسد: «برخی مفسران گفته اند که این تعبیر ناظر به زردشتیان یا پارسیان به طور کلی است و حتی در تأیید آن یک عبارت فارسی نقل می کنند؛ پارسیان وقتی کسی عطسه کند، می گوید: «زی هزار سال»: «امید که هزار سال عمر کنی!». دیگران، مانند فخر رازی معتقدند که «هزار» یک شیوه متعارف برای بیان «کثرت» است و ارتباط آن با زردشتیان به منزله یک گروه خاصی را مردود می دانند (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۲۳۳).

نقد و بررسی

نخست: این مطلب و ادعا بدون آدرس و مدرک ذکر شده است؛ دوم، احتمال بسیار بعید را نباید نوشت. مگر تعمد علیه فارسی زبانان و ایران باشد؛ سوم، چنین اصطلاح و تعبیری امروزه اساساً کاربردی ندارد و رایج نیست، بلکه می گوید: «عافیت باشد».

چهار. ذیل آیه: ﴿مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا﴾ (بقره/۱۰۶)؛ مطالبی درباره «نسخ» و انواع آن نقل می کند (همان: ۲۴۵/۱ - ۲۴۹)؛ اولاً هیچ گونه جمع بندی از اقوال متعدد مفسران درباره معنا و مصداق «نسخ» ارائه نمی دهد، ضمن آن که روایاتی که از عایشه و عمر بن خطاب درباره برخی از انواع نسخ نقل می کند، تحت عنوان وجود آیاتی همچون آیه «رضاع» و آیه «رجم» (سنگسار کردن شخص به خاطر زنای محصنه) که جزو قرآن بوده، ولی بعدها نسخ شده است، چنین نسخی به هیچ وجه قابل قبول و پذیرفتنی نیست؛ چراکه مستلزم تحریف قرآن کریم است. علاوه بر این که این گونه روایات خبر واحد بوده و هرگز قرآن کریم که تمام آیات و کلماتش از طریق تواتر اثبات شده است، نمی تواند به واسطه خبر واحد نقض و نسخ گردد (ر.ک: معرفت، صيانة القرآن من التحريف، ۱۶۳-۱۵۷).

پنج. در ذیل آیه: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَا كُنْ لَّا تَشْعُرُونَ﴾ (بقره/۱۵۴)؛

می‌نویسد: «در حدیث، پیرامون احوال پس از مرگ آنان که در راه خدا کشته شده‌اند، آمده است: «ارواح شهیدان در چینه‌دان پرندگان سبز است که به هر جای بهشت که بخواهند، سیر می‌کنند، سپس در نورافکن‌های آویخته در زیر عرش مأوا می‌گیرند...» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۳۰۳).

نقد و بررسی

روشن است که این‌گونه روایات، ضعیف و اسرائیلیات و جعلیات است. علامه طباطبایی چنین اظهار می‌دارد: از «ابن ظبیان» نقل شده که می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم، فرمود: مردم درباره ارواح مؤمنان پس از مرگ چه می‌گویند؟ عرض کردم می‌گویند: در سینه پرندگان سبز رنگی قرار خواهند گرفت. فرمود: سبحان الله! مؤمن نزد خدا از این شریف‌تر است، هنگامی که مؤمن از دنیا رود، رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نزد او می‌آیند و فرشتگان مقرب خدا نیز با آنهاست، اگر خداوند زبان او را با شهادت به یگانگی خود و نبوت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت اهل بیت علیهم السلام بگشاید، رسول خدا و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و فرشتگان مقرب بر آن گواهی می‌دهند و اگر زبان بسته شد، خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به تنهایی از ایمانی که آن مؤمن در دل او دارد، آگاه می‌سازد و بر آن گواهی می‌دهد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و فرشتگانی که حضور دارند، بر گواهی پیامبر گواهی می‌دهند، هنگامی که خداوند قبض روح او کرده، روح وی را به صورتی مانند صورت اصلی به بهشت می‌فرستد، در آنجا می‌خورند و می‌آشامند و هرگاه شخص تازه‌ای بر آنها وارد شود، آنها را به همان صورتی که در دنیا داشتند، می‌شناسند.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۷: ۱/۵۱۳).

شش. درباره «علم جفر» چنین آمده است: «علم جفر وجوه برجسته تعالیم باطنی قرآن کریم، از جمله معنای حروف مقطعه اسرار آمیزی را که در آغاز بیست و نه سوره آمده است، روشن می‌سازد و بسیاری از آموزه‌های مبنایی را توضیح می‌دهد.» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱/۵۳).

نقد و بررسی

گرچه علم جفر یکی از علوم غریبه است و کارایی‌های ویژه خود را دارد، ولی هرگز نمی‌تواند معنای حروف مقطعه قرآنی را روشن سازد؛ چراکه این حروف، از اسرار میان خدا و رسول هستند و خداوند نمی‌خواهد، جز اولیاء معصومش کسی به این اسرار پی ببرد.

علامه طباطبایی (ره) ذیل حروف مقطعه در آغاز سوره شوری، پس از آن که یازده قول محتمل پیرامون مفاد این حروف را از مجمع‌البیان نقل می‌کند، سرانجام می‌نویسد: «این حروف رموزی



هستند، بین خدای تعالی و پیامبرش ﷺ رموزی که از ما پنهان شده و امثال ما راهی به درک آن‌ها ندارد، مگر به همین مقدار که حدس بزنی، بین این حروف و مضامینی که در سوره‌های هر یک آمده، ارتباط خاصی هست.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۷: ۱۰/۱۸-۶۱).

هفت. با توجه به این که برخی از آیات قرآن از تشابهات هستند و یا به لحاظ تفسیری در زمره آیات مشکل قلمداد می‌شوند، لازم است، در این گونه موارد ذیل آن آیات به بررسی پرسش و پاسخ و طرح شبهه و پاسخ به آن بپردازد، ولی در برخی از موارد مهم، در کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» این کار صورت نگرفته است، مانند آیاتی که از آن‌ها بوی جبر به مشام می‌رسد. همچون آیه «بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء/۱۵۵)؛ و آیه ۲۶ آل عمران: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تَعَزُّزُ مَنْ تَشَاءُ وَ تُنْزِلُ مَنْ تَشَاءُ...» (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۲۲۶ - ۵۲۵).

ج- اشکالات محتوایی تفصیلی

برخی از ضعف‌ها و کاستی‌های کتاب «تفسیر معاصرانه قرآن کریم» مربوط به نکات و محتویات مهم تفسیری است که از مصادیق بسیار مهم مبنایی این اثر به شمار می‌رود و آسیب جدی و دقیق تلقی می‌گردد که پاره‌ای موارد آن - تا آنجا که گنجایش این مقاله می‌پذیرد - در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یک. دفاع از پلورالیزم دینی

در پیش‌گفتار کتاب آمده است: «نه فقط اسلام، بلکه یهودیت و مسیحیت هر سه جزو ادیان ابراهیمی و حیانی تلقی می‌شوند، به این معنی که اساس آن‌ها وحی خداوند است که در قالب کتاب و از طریق پیامبران در اختیار بشر قرار گرفته است» (همان: ۱۳/۱).

همچنین در ذیل آیه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۶۲)، به نقل از قشیری می‌نویسد:

«تنوع در راه‌ها، در عین وحدت مبدأ، مانع از زیبایی قبول نیست. هر کس حق را در نشانه‌های حضرتش تصدیق کند و به حقیقت او و صفات او که خود از آن خبر داده است - یعنی بر حق و صفات او- ایمان بیاورد، در آن صورت تباین در شرع و اختلاف در به کار بردن نام‌ها، به شایستگی او برای خشنودی خداوند، خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱۳۹/۱)

در بخشی دیگر می‌نویسد: «بسیاری از مفسران این آیه، نمی‌پذیرند که منکران اسلام و پیامبر ﷺ از

زمره کسانی باشند که از بیم و اندوه ابدی، نجات پیدا کرده‌اند، ولی همان‌طور که موضع غزالی روشن می‌سازد، دشوار می‌تواند چنین انکاری را در حق آنان اثبات کرد... به‌علاوه، قول به ایمان یهودیان یا مسیحیان در آیات دیگر، تقویت شده است.» (همان: ۱/۱۹۳).

نقد و بررسی

اگر مقصود نویسنده، پلورالیزم اجتماعی است، به این معنی که در هر عصری مسلمانان باید به غیرمسلمانان (یهودیان، مسیحیان و حتی زرتشتیان) احترام بگذارند و با آنان به گونه مسالمت‌آمیز زندگی کنند، این قابل قبول است (که البته باید به این مطلب تصریح شود)، ولی اگر منظور پلورالیزم دینی است، این دو حالت دارد: گاهی در عصر و دوران پیامبرانی همچون حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام بوده که یهودیان و نصاری به شریعت خود عمل می‌کرده‌اند که در این صورت اهل بهشت و اهل نجات هستند؛ اما پس از خاتمه یافتن آن ادیان و بعثت خاتم الانبیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اسلام ناسخ ادیان پیشین بوده و نمی‌توان بر همان ادیان باقی ماند. با وجود تحریفات و انحرافات که برای آن‌ها پیش آمد و بدعت‌ها و عقاید غیرمنطقی همچون ایمان به تثلیث و شرک‌گرایی آیا این همه ادیان می‌توانند حق باشند؟! بدیهی است که معتبر دانستن دین یهود و نصارا در این زمان، به لحاظ کلامی و اعتقادی امری خلاف کتاب و سنت است.

در تفسیر نمونه ذیل آیه ۶۲ سوره بقره می‌خوانیم: گروه یهود و نصاری به خود می‌بالیدند که دینشان از دیگران بهتر است. احساس می‌شود در این تفاخر، جمعی از مسلمانان نیز شریک بوده‌اند و هرکدام دین خویش را برتر می‌دانستند. آیه موردبحث به این حقیقت ناظر است که ایمان ظاهری از مسلمانان و همچنان از یهود و نصاری و مانند آن‌ها بی‌ارزش است. تنها ایمان واقعی و خالی به خداوند و روز واپسین که با عمل و کار نیک توأم باشد ارزشمند است و تنها در این صورت است که پاداش آن را خواهند دید.

آیه موردبحث می‌گوید: آن‌ها که اظهار می‌کنند اعم از مسلمین و یهود و نصاری و صابئان، هرکدام که ایمان واقعی و خالص به خدا داشته باشند و عمل نیک انجام دهند، خداوند به آن‌ها پاداش خواهد داد و نباید از صحنه آخرت خوف و ترسی داشته باشند. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود:

بنابراین لازم نیست، یهود و نصاری و پیروان ادیان دیگر امروز مسلمان شوند، همین‌قدر که به خداوند و آخرت ایمان داشته باشند و اعمالی نیک انجام دهند، مأجور هستند. در پاسخ گفته می‌شود: اگر یهود و نصاری هم به‌راستی به خدا و قیامت معتقد باشند و ظاهرسازی نکنند، می‌بایست طبق



تورات و انجیل و سایر کتب آسمانی به پیامبر اسلام نیز ایمان آورند؛ زیرا تورات و انجیل بشارت به آمدن پیامبر اسلام داده‌اند و صفات او را ذکر نموده‌اند، به طوری که با آن نشانه‌ها پیغمبر را همچون فرزندان خویش می‌شناختند؛ بنابراین اگر آن‌ها هم واقعاً به خدا و آخرت ایمان آورند، می‌بایست به اسلام نیز مؤمن گردند و روی این جهت، مأجور خواهند بود.

ممکن است، تفسیر دیگری برای آیه ذکر کرد که اتفاقاً با پاره‌ای از شأن نزول‌ها که مفسران و مورخان نقل کرده‌اند نیز کاملاً سازگار است؛ پس از نزول قرآن و بعثت پیامبر ﷺ بسیاری از مسلمانان در فکر فرورفتند که اگر راه حق و نجات تنها اسلام است، پس تکلیف نیاکان و اجداد و پدران ما که در زمان خودشان بر آیین حقی بوده‌اند چه خواهد شد؟ آیا آن‌ها به خاطر درک نکردن پیغمبر اسلام و ایمان نیاوردن به او معذب خواهند بود؟ در اینجا آیه شریفه نازل شد و اعلام داشت: تمام کسانی که در عصر خود به پیامبر آسمانی زمان خویش ایمان آورده‌اند و عمل صالح کرده‌اند، مسلماً اهل نجات‌اند و هیچ‌گونه نگرانی برای آن‌ها نیست. با توجه به این دو تفسیر روشن می‌شود کسانی که آیه فوق را دست‌و‌پا از برای افکار نادرستی از قبیل «صلح کل» (یعنی پیروان هر مذهبی اهل نجات‌اند و همه برحق‌اند) قرار داده‌اند، به هیچ‌وجه صحیح نیست و بی‌خبری از تفسیر واقعی آیه آن‌ها را به این اشتباه انداخته است، اصولاً اگر پیروان مذاهب پیشین برحق‌اند نیازی به آمدن مذهب جدید (اسلام) نخواهد بود (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۶: ۱-۱۹۳-۱۹۲).

علامه طباطبایی (ره) نیز ذیل آیه مورد بحث می‌نویسد:

«تکرار ایمان (در جمله من آمن بالله) که به قرینه کلام منظور اتصاف به حقیقت ایمان است، به ما می‌فهماند که مقصود از ایمانی که در اول آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره/۶۲)، ذکر شده است، ایمان ظاهری و نام مؤمن بر خود گذاردن است؛ بنابراین حاصل معنی آیه شریفه چنین می‌شود: نام‌ها و عناوینی مانند مؤمن، یهودی، نصرانی، صابئی برخوردارن، موجب اجر و امن از عذاب الهی نخواهد بود و کلماتی مانند سخنان یهود و نصاری که گفتند: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى» (بقره/۱۱۱): «جز یهودی و نصرانی داخل بهشت نمی‌شود»؛ ارزشی ندارد، بلکه ملاک سعادت حقیقت ایمان به خدا و روز جزا و عمل صالح است، از این رو خداوند نفرموده است: «من آمن منهم» مبدا کسی گمان کند، نام‌گذاری فایده‌ای دارد و سخن آن‌ها تا حدودی تصدیق شده است، این حقیقت تنها در اینجا ذکر نشده، بلکه به صورت مکرر در آیات قرآن بیان گردیده که سعادت و بزرگواری فقط در سایه بندگی است و هیچ‌یک از نام‌ها فایده‌ای ندارد، حتی اوصاف خوب نیز پایدار نمی‌ماند و پایه ثابت

نمی‌شود، مگر به قید بندگی و پیامبران و سایر مردم همه در این حکم شریک‌اند.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۷: ۲۵۶/۱).

دو. مؤید قرار دادن مطالب تورات برای تقویت وجه خاصی در تفسیر قرآن

در ذیل آیه: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ﴾ (بقره/۶۳): «و زمانی که از شما میثاق گرفتیم و کوه را بر فراز شما برافراشتیم...» می‌نویسد: «از آنجاکه قرآن نمی‌فرماید که کوه بر فراز بنی‌اسرائیل معلق بود، بلکه می‌فرماید که بر فراز آن‌ها برافراشته بود، می‌توان دریافت که کوه به صورتی ترسناک و هدفمند بر آن‌ها پدیدار شده است. و این تفسیری است که با توجه به توصیفات ذکرشده در سفر خروج، ۱۹، بسیار موجه‌تر است.» (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱۹۵/۱). همین‌قدر محتمل است که این عبارت‌پردازی که کوه طور را بر فراز شما برافراشتیم، شبیه این عبارت باشد که در فارسی گفته می‌شود: «کوه بر فراز آن‌ها» پدیدار شد. در سفر خروج، از: «ابری انبوه بر کوه» سخن به میان آمده است.»

نقد و بررسی

به چه دلیل، توصیفات ذکرشده در سفر خروج را مؤید تفسیری خاصی برای آیه ۶۳ سوره بقره گرفته‌اید و حال‌آنکه مطالب موجود در تورات و انجیل کنونی از دیدگاه مسلمانان، فاقد اعتبار و صحت و اصالت است.

دست برداشتن از ظاهر این‌گونه آیات و تمسک به یک سری توجیحات علمی، در واقع مبتنی بر فرضیه انکار معجزات و خوارق عادات است. چنان‌که علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «این‌گونه توجیه و تغییر آیه از معنای ظاهری و این‌که گفته شود: بنی‌اسرائیل پای کوه بوده‌اند و کوه لرزید و تکان خورد و قله آن بر سر آنان سایه گسترده؛ پس گمان کردند که بر سرشان فرو خواهد افتاد، در عین این‌که به بالا بردن بر فرار سرشان (در یک آیه) یا برافراشتن (در آیه دیگر) تعبیر فرموده، مبتنی بر فرضیه انکار معجزات و خوارق عادات است.» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۷: ۲۰۰/۱)

سه. بی‌توجهی به جنبه ادبی آیات قرآن

به‌عنوان مثال ذیل آیه: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (بقره/۱۷۹): هیچ‌گونه تبیین و توضیحی از این آیه در جنبه اعجاز ادبی آن ارائه نشده و صرفاً به نقل از (طبری) آمده است: «زندگی در مجازات عبرت‌انگیز قصاص است؛ زیرا هم می‌تواند بازدارنده از جنایت‌های آینده باشد و هم زندگی



انسان‌ها را دارای ارزش عینی معرفی کند. به علاوه از آنجاکه بالاترین انتقام، محدود به قصاص شخص قائل است و از هرگونه کینه جوویی نهی شده است، بنابراین راهی برای حفظ زندگی است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۳۳۶/۱).

نقد و بررسی

استاد معرفت (ره) در مبحث اعجاز بیانی قرآن، ابتدا سخنی را از ابن عطیه نقل می‌کند: «و کتاب الله سبحانه لو انتزعت منه لفظة ثم ادير بها لسان العرب على أن يوجد لها نظير في موضعها الخاص لم يوجد البتة»: «هرگاه واژه‌ای از قرآن را از جای خود برداشته و تمامی زبان عرب برای یافتن واژه‌های مناسب‌تر جستجو شود، بی‌گمان یافت نخواهد شد.» (معرفت، التمهيد في علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۲۱/۵)؛ سپس ادامه می‌دهد: معروف‌ترین شاهد مثال در این زمینه آیه قصاص است: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/ ۱۷۹)؛ «برای شما در اجرای قانون قصاص، تضمین حیات شده است، ای صاحب‌خردان! باشد که در رفتار خود پروا پیشه کنید.

زمانی فصحای عرب جمع شدند تا برای تنظیم قانون قصاص کوتاه‌ترین و شیواترین جمله را بسازند. آن‌ها پس از دقت نظرها و بررسی‌های مکرر بر عبارت «القتل أنفى للقتل» اتفاق نظر کردند؛ یعنی «کشتن قاتل بهترین بازدارنده از ارتکاب جنایت قتل است»، ولی چند اشکال بر این عبارت وارد است: نخست: هیچ چیزی خود را نفی نمی‌کند؛ آنان از لحاظ ادبی مرتکب اشتباه بزرگی شدند که قتل را نافی قتل شمردند؛ زیرا قتل نافی را در عبارت مذکور، مطلق آورده‌اند؛ در صورتی که قتل اگر به‌عنوان قصاص انجام شود، نافی قتل خواهد بود؛ ولی واژه «قصاص» چنین مشکلی را ندارد. دوم: در مقابله قصاص با حیات در آیه فن «طباق» به‌کاررفته که جمع بین ضدین و ائتلاف میان متضادین است؛ زیرا قصاص - که نوعی قتل به شمار می‌رود - ضد حیات است که در آیه، موجب حیات به شمار آمده است. سوم: در عبارت یادشده، «افعل التفضیل» به کار رفت که از نظر ادبی دچار مشکل حذف «مفضل علیه» گردیده و موجب ابهام شده است، زیرا معلوم نیست که قتل از چه چیزی بازدارنده‌تر است؛ ولی در آیه، چنین مشکلی هم وجود ندارد. چهارم: از نظر ادبی، آیه «قرآن» جنبه ایجابی دارد و عبارت یادشده جنبه نفی؛ حال آنکه در سخن‌سنجی، عبارت اثباتی برتر از عبارت سلبی است. پنجم: به کار بردن واژه «قصاص» تداعی‌گر عدالت قانونی است (قانونی که از عدالت ناشی می‌شود)؛ در صورتی که به کار بردن واژه «قتل» در عبارت مذکور فاقد این ویژگی است. علاوه بر این که لفظ قتل

در ابتدا حالت تنفر و انزجار را برمی‌انگیزد، برخلاف واژه «قصاص» که حالت عدالت خواهی، انبساط خاطر و تشفی را ایجاد می‌کند. نمونه‌هایی از این قبیل بسیارند که در کتاب التمهید به برخی از آن‌ها اشاره شده است (ر.ک: معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۱۳۰/۵-۹).

چهار. خودداری از تفسیر دقیق و به‌روزرسانی آیات سیاسی قرآن

به‌عنوان مثال ذیل آیه: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْأَيَّاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» (آل عمران/۱۱۸)؛ نوشته است: محرم‌راز ترجمه بطنان است که به معنای رازدار یا دوست مورد اعتماد است، همچنین معنای تحت‌اللفظی آن آستر جامه است و معنای قرابت و محرمیت مستقیم را می‌رساند. محرم‌راز کسی است که آدمی رازهای خویش را به او می‌گوید (طبری). «لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا» آنان از هیچ‌گونه تباهی در حق شما فروگذار نکنند، بدین معنا است که وقتی زمان تباهی کردن برسد، آنان از ایجاد تباهی دریغ نمی‌ورزند. برخی مفسران این عبارت را به این معنا گرفته‌اند که در برخی موضوعات مهم، نباید به غیرمسلمانان اعتماد کرد (ابن کثیر، قرطبی). در همین فضا، قرطبی متأسف است، از این‌که در روزگار او مسلمانان به یهودیان و مسیحیان در مقام کاتب و امین خویش اعتماد می‌کنند، گو این‌که این بازتابی از جامعه روزگار او است.» (ر.ک: نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۱).

نقد و بررسی

نویسنده محترم به همین مقدار در تفسیر این آیه سیاسی - اجتماعی بسنده کرد و از به‌روزرسانی آن با مسامحه خودداری ورزیده است. گو این‌که امروزه مسلمانان هرگز مبتلا به چنین وضعیت خفت باری در برابر مستکبران غربی و صهیونیست‌های ستمگر نیستند! در اینجا لازم است که به خوانندگان مسلمان توصیه کنند که دولت‌های غیراسلامی را «بطنان» و اولیاء و حاکم بر خویش قرار ندهند، بلکه رویاروی آنان بایستند و در برابر زیاده‌طلبی آن‌ها مقاومت نمایند.

اینک بسیار مناسب است، مطالب اندک و کلی‌گویی‌هایی را که در تفسیر معاصرانه قرآن کریم ذیل آیه مورد بحث ارائه شده، با آنچه در تفسیر نمونه در همین رابطه نوشته شده، با دقت مقایسه و داوری نمایید:

بیگانگان را محرم اسرار خود نسازید: این آیه به دنبال آیاتی که مناسبات مسلمانان را با کفار بیان کرد، به یکی از مسائل حساس اشاره کرده و در ضمن تشبیه لطیفی به مؤمنان هشدار داده است که غیر



از هم مسلکان خود برای خود، دوست و همرازی انتخاب نکنند و بیگانگان را از اسرار و رازهای درونی خود باخبر نسازند؛ یعنی کفار شایستگی دوستی شما را ندارند و نباید آنان دوست و محرم اسرار شما باشند. کفار در رساندن شر و فساد نسبت به مسلمانان کوتاهی نمی کنند، ولی متأسفانه بسیاری از پیروان قرآن از این هشدار غفلت ورزیده اند و در نتیجه گرفتار نابسامانی های فراوان شده اند، هم اکنون در اطراف مسلمانان دشمنانی هستند که خود را به دوستی می زنند و به ظاهر از مسلمانان طرفداری می کنند، ولی با کارهایی که از خود نشان می دهند، معلوم می شود که دروغ می گویند، مسلمانان فریب ظاهر آن ها را خورده به آنان اعتماد می کنند، در صورتی که آنان برای مسلمانان جز پریشانی و بیچارگی و تباهی چیزی نمی خواهند و از ریختن خار بر سر راه آن ها و به دشواری افکندن کار آنان کوتاهی ندارند. راه دور نرویم، در سال های اخیر مسلمانان در دو جنگ بزرگ با دشمنان خود درگیر شدند در جنگ نخست شکست بسیار دردناکی خوردند، در حالی که در جنگ اخیر پیروزی درخشانی نصیب آن ها شد. و تقریباً همه حوادث جهانی به نفع آن ها تغییر یافت، افسانه وحشتناک و رعب آور شکست ناپذیری دشمن در همان روز نخست جنگ در صحرای «سینا» و ارتفاعات «جولان» برای همیشه مدفون گشت، و مسلمانان طعم پیروزی را برای نخستین بار در سال های اخیر چشیدند.

چه شد که در این مدت کوتاه این دگرگونی روی داد؟ پاسخ این سؤال نیازمند یک بحث طولانی است، ولی به طور قطع یکی از عوامل مؤثر آن شکست و این پیروزی این بود که در جنگ نخست بیگانگان که حتی بعضی از آن ها دم از بی خبری می زدند: از نقشه های آنان باخبر بودند، ولی در جنگ اخیر هیچ کس جز دو سه نفر از سران کشورهای اسلامی از نقشه های آن ها آگاهی نداشتند، و این خود یک رمز بزرگ پیروزی آن ها و شاهد زنده ای بر عظمت این دستور آسمانی قرآن بود (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۶۰: ۳/ ۶۷-۶۶).

پنج. عدم پاسخ گویی به شبهات مهم

در ذیل آیه ﴿وَأَنْبِئِكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ﴾ (آل عمران/ ۴۹)؛ «و شما را از آنچه می خورید و در خانه هایتان می اندوزید خبر می دهم.» می نویسد: برخی نقل می کنند که عیسی علیه السلام در کودکی به هم بازی ها یا همشاگردی هایش درباره کارهایی که پدر و مادرشان انجام می دادند یا درباره آنچه در خانه هایشان نگه می داشتند، خبر می داد (رازی)، حال آنکه دیگران می گویند: این موضوع مرتبط بوده است با زمانی که مردم از ذخیره کردن غذا در خانه هایشان نهی شده بودند (رازی، و طبری). قرآن کریم بر این واقعیت تأکید می ورزد که جان دادن به پرنده گلی و زنده کردن مردگان، هر

دو معجزاتی بوده که به اذن خدا واقع شده است. (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۵۴۹/۱).

نقد و بررسی

در مقام تفسیر این گونه آیات سزاوار است، بحث نسبتاً مفصلی از معجزات و کرامات شود و پاسخ شبهات مربوطه داده شود؛ چراکه در پاره‌ای از موارد می‌توان تردیدآفرینی‌ها را نیز با تفسیر دقیق این گونه آیات پاسخ داد. شایان ذکر است که یکی از مهمترین وجوه اعجاز قرآن کریم، اخبار غیبی است که در قرآن آمده و بر سه گونه زمانی (گذشته، حال و آینده) قابل تقسیم است:

۱. خبر از گذشته، سرگذشت انبیای سلف و امت‌های گوناگون که در بستر زمان بوده‌اند. سرگذشت آنان کم‌وبیش در کتاب‌های پیشین آمده و بر سر زبان‌ها متداول بوده ولی کاملاً آلوده و تحریف‌شده و افسانه وار است.

درباره سرگذشت نوح علیه السلام و حادثه طوفان می‌خوانیم: «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا» (هود/ ۴۹): «این از خبرهای غیب است که بر تو وحی می‌کنیم. پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو، سرگذشت نوح و حادثه طوفان، در نوشته‌های پیشین به‌ویژه در سفر پیدایش (عهد عتیق- سفر تکوین، اصحاح و ...) تورات به تفصیل آمده، ولی نه به آن‌گونه که در قرآن پاک و منزه آمده است. درباره سرگذشت یوسف (ه) نیز می‌خوانیم: «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ» (یوسف/ ۱۰۲)؛ باآنکه در سفر پیدایش (اصحاح ۵۰-۳۷) به تفصیل شرح آن آمده است، ولی نه به درستی و پاکی بیان قرآن.

همچنین درباره موسی و هارون و بنی اسرائیل و فرعون (قصص/ ۳)؛ و نیز درباره حضرت مریم و زکریا (آل عمران/ ۴۴) این گونه تعبیرها آمده که حاکی از امانت در نقل و حفظ قداست مقام انبیا و اولیای خدا است، ولی این جهت در تورات هرگز رعایت نشده بلکه برعکس، از مقامات عالیه آنان کاسته است.

۲. خبر از آینده؛ خبر از پیشامدهایی است که در آینده‌ی دور یا نزدیک واقع می‌گردید، به‌ویژه حوادث قریب‌الوقوع تا آن‌که اخبار غیبی قرآن مشهود گردد. مانند خبر از فتح و پیروزی‌ها و گسترش اسلام و نابودی و سرکوب شدن دشمنان که یک‌به‌یک و پی‌درپی تحقق یافت. خبر از غلبه روم بر فارس پس از اندی سال، «فِي أَذَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيَغْلِبُونَ» (روم/ ۴-۳)؛ از این قبیل است. این جنگ میان ایران و دولت بیزانس از سال ۶۰۳ م تا سال ۶۲۲ م ادامه داشت. ابتدا برتری با خسرو پرویز بود و سوره روم که در مکه نازل گشته، خبر از تغییر وضع جنگ داد، باگذشت چند سال نوبت برتری



بیزانس رسید و این برتری تا پایان سلطنت خسرو پرویز (۲۲۸ م) که به دست اشراف و سرداران لشکر به قتل رسیده ادامه داشت (رک: پیرنیا، تاریخ ایران، بی تا: ۲۲۷-۲۲۲)، این امر موجب خشنودی مسلمانان گردید. از همه شگفت آورتر اخبار از ناتوانی همیشگی بشر از هماوردی با قرآن است: ﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ (بقره/ ۲۴)؛ که همواره شاهد صدق اعجاز قرآن به شمار می رود (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۶/۲۱۰-۱۹۷)

۳. خبر از حاضر: خبرهای غیبی است که قرآن از دسیسه ها و توطئه های منافقان و هم‌دستان آنان، مشرکان و یهودیان پرده برداشته و آنان را رسوا ساخته است. این گونه آیات در قرآن فراوان است. مانند آیه ای که می فرماید: ﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِّنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُمُ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/ ۴۹)؛ «او را به عنوان رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده که به آن‌ها می گوید: من نشانه ای از طرف پروردگارشان برایتان آورده ام، من از گل چیزی به شکل پرنده می سازم؛ سپس در آن می دمم و به فرمان خدا پرنده ای می گردد و کور مادرزاد و مبتلایان به برص (پیسی) را بهبودی می بخشم و مردگان را زنده می کنم و از آنچه می خورید و در خانه خود ذخیره می کنید، به شما خبر می دهم، مسلماً در این‌ها نشانه ای برای شما است اگر ایمان داشته باشید.

شش. در حاشیه قرار دادن نظرات شیعیان

در ذیل آیه: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ (بقره/ ۲۰۷)؛ و از میان مردم کسی است که نفس خویش را برای کسب خشنودی خدا می فروشد و خداوند بر بندگان مهربان است.» می نویسد: در خصوص آیه بالا، مفسران افراد خاصی را نام می برند که ممکن است، مقصود آیه آنان بوده باشد، ولی ترجیح می دهند که آیه را پیامی کلی نیز در نظر بگیرند. این آیه مرتبط است با حکم کلی «امر به معروف و نهی از منکر» مضمون اخلاق مهمی در قرآن کریم که در آیات ۱۱۴، ۱۱۰، ۱۰۴: ۳، ۱۵۷: ۷، ۱۱۲ و ... آمده است. عمر بن خطاب، خلیفه دوم، در مقام تفسیر این آیه درباره کسی که نفس خویش را می فروشد گفت: منظور کسی است که «امر به معروف و نهی از منکر می کند و در راه آن کشته می شود. در این معنا نفس خویش را می فروشد، می تواند به معنای «زندگی خویش را می فروشد» و نیز باشد. برخی معتقدند که این آیه مرتبط است با خوابیدن علی علیه السلام بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زیرا وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مکه به مدینه مهاجرت کرد. امام علی علیه السلام بر جای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خوابید تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که هدف

دشمنی مکیان بود، فرصت لازم برای گریختن از چنگ آنان را پیدا کنند. در معنای کلی تر «من یشری نفسه» بدین معنا است که کسی که از هوا و هوس خویش، به خاطر خدا دست می‌کشد و این معامله نیکویی است (نصر، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ۱۳۹۹: ۳۷۶/۱).

نقد و بررسی

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در ابتدا یک‌سری احتمالات تفسیری کلی و اخلاقی را ذکر می‌کند، آنگاه می‌نویسد: برخی معتقدند که این آیه مرتبط با خوابیدن علی علیه السلام بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله است. تازه بلادرنگ پس‌ازاین احتمال (دیدگاه شیعیان) یک معنای کلی‌تر نیز برای مراد از آیه محل بحث ذکر می‌کند تا آن‌که دیدگاه شیعه در ذهن خوانندگان تفسیر، بسیار کمرنگ و ضعیف و در حاشیه سایر آراء و اقوال قرار گیرد.

شأن نزول که درباره این آیه نقل شده (مبنی بر خوابیدن علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله مخصوص عالمان شیعه نیست؛ بلکه بسیاری از عالمان اهل سنت نیز آن را نقل کرده‌اند. از جمله می‌توان به طبری، ابن هشام، حلبی، یعقوبی، احمد بن حنبل، ابن جوزی و ابن صباغ مالکی که همه این علما از دانشمندان مطرح اهل سنت هستند (امینی، الغدیر، ۱۳۹۷: ۴۸/۲) اشاره کرد.

جالب‌تر از همه این‌ها سخنی است که «ابوجعفر اسکافی» استاد شارح مشهور نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، در این زمینه گفته است: «قد ثبت بالتواتر حدیث الفراه ... و لایجحد الا مجنون او غیر مخالط لاهل الملة... و قد روی المفسرون کلهم: انّ قول الله تعالی: و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله انزلت فی علی علیه السلام (لیلة المبيت علی الفراه) (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۱۳۹۵ ق: ۲۶۱/۱۳)؛ «حدیث خوابیدن علی علیه السلام در بستر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به تواتر ثابت شده و قابل انکار نیست؛ بنابراین جز انسان دیوانه و مجنون یا کسی که با مسلمانان معاشرتی ندارد، هیچ‌کس چنین روایتی را انکار نمی‌کند؛ زیرا تمام مفسران قرآن کریم اتفاق نظر دارند که آیه شریفه «و من الناس من یشری...» در لیلة المبيت، در شان علی علیه السلام نازل گشته است.»

نتیجه این که تمام دانشمندان اسلامی، اعم از شیعه و سنی، متفق القول‌اند که آیه لیلة المبيت (بقره/۲۰۷) در شان فداکاری و ایثار بی نظیر علی علیه السلام نازل گشته است (ر.ک: مکارم، آیات ولایت در قرآن، ۱۳۹۲ ش: ۲۷۴-۲۷۳).



نتیجه

- از بارزترین مزایا و محسنات کتاب تفسیر معاصرانه ی قرآن کریم، می توان اذعان به جامعیت قرآن و نیز وحیانی دانستن کل قرآن اعم از الفاظ و معانی آن دانست.
- اشکالات صوری - ساختاری کتاب مزبور عبارت است از: نام گذاری نادرست کتاب (از سوی مترجم)، روشن شناسی ناقص بحث، استفاده گسترده از گرایش عرفانی و عدم توجه به گرایش های دیگر، عدم ارائه تعریفی روشن از «سنت گرای»، عدم مستندسازی واژگان ذیل آیات، ذکر نکردن روایات شان نزول در موارد لازم، گزینش همکارانی غیرمتخصص در تفسیر قرآن، ذکر نکردن رزومه علمی ویراستاران کتاب، قلت مفسران شیعه در فهرست مفسران بزرگ کتاب.
- ملاحظات محتوایی اجمالی:
 ۱. اشاره به «نظریه وحدت وجود» بدون تصریح موضع خود درباره نظریه مذکور؛
 ۲. ارائه ترجمه ای نارسا برای عبارت قرآنی «سبعاً من المثانی» به صورت «تکرار شده های هفتگانه»؛
 ۳. ذکر برخی از احتمالات بسیار بعید بدون مستندسازی؛
 ۴. ذیل مطالب و اقوال متعدد پیرامون «نسخ» جمع بندی روشنی ارائه نداده است؛
 ۵. استناد به برخی از روایات ضعیف و اسرائیلی ذیل آیه ۱۵۴ سوره بقره؛
 ۶. نپرداختن به شبهه جبر و پاسخ ندادن به آن ذیل آیاتی که رایحه جبر از آنها برمی خیزد از قبیل آیه ۲۶ سوره آل عمران.
- اشکالات محتوایی تفسیری تفصیلی
 ۱. دفاع از پلورالیزم دینی؛
 ۲. مؤید قرار دادن مطالب سفر خروج برای تقویت وجه خاصی در تفسیر قرآن؛
 ۳. عدم تبیین اعجاز ادبی آیه ۱۷۹ سوره بقره «ولکم فی القصص حیوة»؛
 ۴. خودداری از تفسیر دقیق و به روزرسانی آیات سیاسی - اجتماعی قرآن؛
 ۵. عدم پاسخ دهی به شبهات معجزات انبیاء ذیل آیاتی از قبیل آیه ۴۹ آل عمران؛
 ۶. در حاشیه قرار دادن نظرات شیعیان.

منابع

۱. ترجمه قرآن کریم، رضایی اصفهانی، محمدعلی، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، قم: ۱۳۸۳ش.
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، داراحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۳۸۵ ق.
۳. ابن حنبل، احمد، المسند، دارالفکر، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۴. امینی، عبدالحسین، الغدير، دارالکتاب العربی، تهران: ۱۳۹۷.
۵. پیرنیا، حسن، تاریخ ایران، انتشارات کتابخانه خیام: تهران: بی تا.
۶. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، دارالکتب الحدیثه، قاهره: ۱۳۸۱ ق.
۷. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بی نا، بیروت: ۱۹۸۰ م.
۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، نشر مصطفی البابی الحلبي: بیروت: بی تا.
۹. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، داراحیاء الکتب العربیه، بیروت: ۲۰۰۱ م.
۱۰. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، انتشارات رضی، قم: ۱۳۶۳.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران: ۱۳۷۷.
۱۲. معرفت، محمدهادی، صیانة القرآن من التحریف، موسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۱۳.
۱۳. —، التمهید فی علوم القرآن، موسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۱۵.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه تهران: ۱۳۶۰.
۱۵. —، آیات ولایت در قرآن، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان.
۱۶. نصر، سید حسین و همکاران، تفسیر معاصرانه قرآن کریم، ترجمه و تحقیق: انشاء الله رحمتی، انتشارات سوفیا، تهران: ۱۳۹۹



Resources

۱. The Holy Quran, Translated by Rezaei Esfahani, Muhammad Ali et al., Dar al-Dhikr Cultural Research Institute, Qom: ۲۰۰۴.
۲. Amini, Al-Ghadir, Tehran: Dar al-Kitab al-Arabi, ۱۳۹۷ AH.
۳. Ibn Abi al-Hadid, Sharh Nahj al-Balaghah [Commentary on the Peak of Eloquence], Researched by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۳۸۵ AH.
۴. Ibn Hanbal, Ahmad, Al-Musnad, Beirut: Dar al-Fikr, ۱۴۱۴ AH.
۵. Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir Nemooneh, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah Publications: ۱۹۸۱.
۶. Makarem Shirazi, Nasser, Verses of Wilayah in the Quran, Prepared and Edited by Abu al-Qasim Ulian.
۷. Marefat, Muhammad Hadi, Al-Tamhid fi Uloom al-Quran [An Introduction to Quranic Sciences], Qom: Muassasah al-Nashr al-Islami: ۱۴۱۵ AH.
۸. Marefat, Muhammad Hadi, Siyanah al-Quran min al-Tahrif [The Protection of the Quran from Distortion], Qom: Muassasah al-Nashr al-Islami: ۱۴۱۳ AH.
۹. Nasr, Seyyed Hossein, The Contemporary Interpretation of the Holy Quran [= “The Study Quran”], Translated and Researched by Insha Allah Rahmati, Tehran: Sofia Publications, ۲۰۲۰.
۱۰. Pirnia, Hassan, History of Iran, Tehran: Khayyam Library Publications: n.d.
۱۱. Suyuti, Jalaluddin, Al-Itqan fi Uloom al-Quran [A Strengthen in Quranic Sciences], Qom: Razi Publications, ۱۹۸۴.
۱۲. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Allamah Tabatabai Scientific and Cultural Foundation in Collaboration with Raja Cultural Publishing Center, ۱۹۹۸.
۱۳. Zahabi, Muhammad Hossein, Al-Tafsir wa al-Mufasssiron [Exegesis and Commentators], Cairo: Dar al-Kitab al-Haditha: ۱۳۸۱ AH.
۱۴. Zarkali, Khair al-Din, Al-A’lam, Beirut: ۱۹۸۰.
۱۵. Zarkashi, Badruddin, Al-Burhan fi Uloom al-Quran [A Demonstration in Quranic Sciences], Beirut: Dar Ihyah al-Kutub al-Arabiyyah, ۲۰۰۱.
۱۶. Zarqani, Muhammad Ab al-Azim, Manahil a-Irfan fi Ulum al-Quran [The Sources of Knowledge in Quranic Sciences], Beirut: Mustafa al-Babi al-Halabi Publishing: n.d.